

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

سيزدهم جمادى الاول ۱۴۴۴ مطابق با ۱۴۰۱/۹/۱۷

شهادت امّ الانمه، فاطمه زهرا (سلام الله عليهم)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَ خَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ؛ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَابِيهَا وَ بَعْلَهَا وَ بَنِيهَا وَ السِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا بَعْدَ مَا احاطَ بِهِ عِلْمُكَ

بر دوش علی بیعت تحمیلی بود
ای وای که سهم فاطمه سیلی بود

آن روز تمام آسمان نیلی بود
وقتی ثمر باغ فدک قسمت شد

ام سلمه می‌گوید: خدمت حضرت زهرا علیها السلام رسیدم و پرسیدم: ای دختر رسول خدا! شب را چگونه صبح کردی؟ حالت چگونه است؟ فرمود: «... اللَّهُمَّ فَرِّغْنِي لِمَا خَلَقْتَنِي لَهُ، وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا تَكَلَّفْتَ لِي بِهِ، وَلَا تُعَذِّبْنِي وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ، وَلَا تُحَرِّمْنِي وَ أَنَا أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ ذَلَّلْ نَفْسِي وَ عَظِّمْ شَأْنَكَ فِي نَفْسِي وَ أَلْهَمْنِي طَاعَتَكَ وَ أَلْعَمَلْ بِمَا يُرْضِيكَ وَ التَّجَنَّبَ لِمَا يَسْخَطُكَ...» -...خدایا! مرا برای آنچه آفریده ای (عبادت و بندگی) آماده کن، و به آنچه خود عهده دار آن هستی و برایم تضمین نموده ای (رزق و روزی) مشغولم نکن، و عذابم ننما در حالی که استغفار می‌کنم! و محرومم نفرما در حالی که درخواست می‌نمایم! خدایا! نفسم را [پیش خودم] خوار کن و مقامت را در نفسم بزرگ جلوه ده، و طاعت خود و عمل به آنچه رضای تو در آن است و دوری از غضب را به من الهام نما...» (بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۴۰۶، حدیث ۳۶)

موضوع تدبر :

در نگاه صدیقه طاهره (س) در این فقره از دعایش، اساسی‌ترین اموری که باید به آن اندیشید و زندگی را صرف تحصیل آن نمود، چگونه معرفی گردیده است؟

پاسخ اجمالی:

- حیاتی‌ترین امور زندگی انسان در این فراز از دعای زهرا (س) به پیشگاه معبود؛ که باید با همه وجود از خدای تعالی طلبید و برایش نهایت سعی و جدیت را نمود (و هر یکی از آنها بدون دیگری که بعد از آن ذکر می‌شود، امکان تحقق ندارد)، شش امر است:
- (۱) نخست این که فراغت بیرونی و درونی برای او ایجاد کند تا موقعیت خود را در هستی و مقصدی را که برای آن آفریده شده، بفهمد و خود را برای آن تنظیم و محض سازد.
 - (۲) معاش را رزق مقسوم بداند و با دل مشغولی نسبت به آن خود را به تکلف نیندازد.
 - (۳) امان از عذاب الهی، در حالی که از خطاها و گناهانش نادم و پشیمان است و درخواست بخشش می‌کند.
 - (۴) دعایش در درگاه الهی شنیده شود (در نزد او آبرومند و عزیز باشد نه بی‌مقدار).
 - (۵) همواره نفسش را در نزد خود حقیر ذلیل و آفریدگارش را با عظمت و جلالت بنگرد.
 - (۶) همواره با اعمال ظاهری و باطنی اش در طلب رضای حق و اجتناب از خشم و غضب او باشد.

قطره را قدرت نباشد وصف از دریا کند
ور خدا ارض و سما را دفتری انشا کند
عاجزند الا که حق توصیف از زهرا کند

فضل زهرا را بشر کی می‌توان احصا کند
گر قلم گردد همه اشجار و دریاها مداد
در نوشتن جن و انس و حاملین عرش و فرش

پاسخ تفصیلی:

توضیح بیشتر هر یک از جملات نورانی بی‌بی دو عالم در حدّ فهم ناچیز نویسنده چنین است:

«اللَّهُمَّ فَرِّغْنِي لِمَا خَلَقْتَنِي لَهُ - خدایا! مرا برای آنچه آفریده ای (عبادت و بندگی) آماده کن»: البته تا به وصول به هدف و مقصد خلقت برای مردم عادی راه طولانی‌ای قرار دارد و برای آن که به مقصد رسیده و حجاب‌ها برداشته شود، امر به گونه دیگری است؛ رسول خدا(ص) می‌فرماید: خداوند عزّ وجلّ فرمود: «مَنْ شَعَلَهُ ذِكْرِي مِنْ مَسْأَلَتِي أُعْطِيَهُ فَوْقَ مَا أُعْطِيَ السَّائِلِينَ» - هر کس به خاطر مشغول شدن به یاد من از درخواست از من باز ماند، به او بیش از درخواست کنندگان عطا می‌کنم. (تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۰۸) به همین خاطر است که حضرت صدیقه کبری علاوه بر دعا‌های مقالی و ربانی و افزون بر دعا‌های حالی، دعا‌هایی با زبان باطنی خود دارد که او را غرق در کمال و جمال الهی نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که او را از درخواست باز می‌دارد؛ توضیح این که روزی پیامبر اسلام (ص) به دخترش فرمود: هم اکنون فرشته وحی در کنار من است و از طرف خدا پیام آورده است تا هر چه بخواهی تحقق پذیرد! فاطمه! چه درخواست و حاجتی داری؟ آن بانوی عارفه پاسخ داد: «شَعَلْتَنِي عَنْ مَسْأَلَتِهِ لَذَّةِ خِدْمَتِهِ لِاحَاجَةٍ لِي غَيْرِ النَّظَرِ إِلَيَّ وَجْهَهُ الْكَرِيم» - لذتی که از خدمت او (حضرت حق) می‌برم مرا از خواهش باز داشته است. حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال والای خدای کریم باشم! (ریاحین الشریعه، رسولی محلاتی، ج ۱، ص ۱۰۵) این همان دعا با زبان باطن است که هر کس به آن مرحله رسید، لب باز نکرده خدا به او عطا می‌کند. نکته در خور تأمل دیگر این است که دعای مقالی و حالی گام به گام بر استعداد درونی انسان می‌افزاید و او را به درجه بالاتر سوق می‌دهد. از این رو بنده در همه احوال خود هدف نهایی را اگر چه به آن نرسیده باشد، باید به چشم دل از نظر دور نبیند.

«وَلَا تَشْغَلْنِي بِمَا تَكْفُلْتَنِي بِهِ - و به آنچه خود عهده دار آن هستی و برایم تضمین نموده‌ای (رزق و روزی) مشغولم نکن»: در آیات ۵ تا ۱۰ سوره انسان آمده است: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُوراً * عَيْنَا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيراً * يُوفُونَ بِالْأَنْزَرِ وَ يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَتْ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا * وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا * إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبَّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا» - به یقین ابرار (و نیکان) از جامی می‌نوشند که با عطر خوشی آمیخته است، از چشمه‌ای که بندگان خاص خدا از آن می‌نوشند، و از هر جا بخواهند آن را جاری می‌سازند. آنها به نذر خود وفا می‌کنند، و از روزی که شر و عذابش گسترده است می‌ترسند، و غذای (خود) را با این که به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند. (و می‌گویند): ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم. ما از پروردگارمان خائفیم، در آن روزی که عبوس و سخت است. در مورد شأن نزول این آیات آمده است: روزی امام حسن و امام حسین (ع) بیمار شدند و رسول خدا (ص) به عیادت آن‌ها رفتند. آن حضرت هنگامی که بیماری نوه‌های عزیزش را مشاهده کرد، خطاب به علی (ع) فرمود: «نذری کنی، تا خداوند بیمارانتان را شفا دهد». علی (ع) بلافاصله عرض کرد: «خداوند! اگر فرزندانم شفا یابند، سه روز روزه می‌گیرم». فاطمه (س) نیز به همین شکل نذر کرد. حتی امام حسن و امام حسین (ع) نیز - علی‌رغم این که سن آنها کم بود - به تبعیت از پدر و مادر به همان شکل نذر نمودند.

فضه خدمتکار حضرت زهرا نیز به جمع آنها پیوست و همین نذر را کرد. پس از مدتی آن دو بزرگوار بهبود یافتند، اما در منزل، چیزی برای خوردن وجود نداشت. امیر مؤمنان علی (ع) سه صاع (حدود سه من) جو قرض کردند. حضرت فاطمه (س) يك صاع از آن را آسیاب کرد و از آن به تعداد افراد خانواده، پنج قرص نان فراهم نمود. علی (ع) نماز مغرب را خواند و به منزل آمد، هنگامی که غذا را در برابر خود گذاشتند تا با آن افطار کنند، فقری آمد و از آن‌ها کمک خواست. آنها همگی غذای خود را به او دادند و آن روز و آن شب چیزی نخوردند. آنها روز دوم را نیز روزه گرفتند. حضرت فاطمه (س) صاع دیگری از آن آرد را نان پخت. هنگامی که نان را آوردند تا با آن افطار کنند، یتیمی نزد آن‌ها آمد و غذا خواست، آنها هم مانند شب گذشته همه غذای خود را به او دادند. سومین روز هم به روزه گرفتن گذشت و هنگام افطار فرا رسید. این بار اسیری آمد و از آنها غذا خواست. آنها هم مطابق روزهای گذشته همه غذای خود را به او دادند. آنها در این سه روز چیزی جز آب نخوردند. در روز چهارم پیامبر (ص) آن‌ها را دید که از شدت گرسنگی می‌لرزیدند و فاطمه (س) از شدت گرسنگی، چشمانش فرو رفته و شکمش به پشتش چسبیده بود. حضرت فرمودند: «وَاغُوْثَا يَا اَللهُ، اَهلَ بَیتِ مُحَمَّدٍ یَمُوْتُوْنَ جَوْعاً- خدایا! به فریادمان برس. خاندان محمد از شدت گرسنگی در حال مرگ هستند». در این هنگام جبرئیل نازل شد و گفت: بگیر آن چه را که خداوند در مورد اهل بیت به تو داده است. پیامبر فرمود: ای جبرئیل! چه چیزی را بگیرم؟ در این هنگام، جبرئیل، برای ایشان سوره "هل أتی" را قرائت کرد. برای سوره "هل أتی" که نام‌های دیگر آن "انسان" و "دهر" است فضایل متعددی ذکر شده است. امام جعفر صادق (ع) در خصوص این سوره فرمودند: قرائت سوره انسان موجب تقویت و نیرومندی روح است و برای قوی شدن اعصاب و آرامش یافتن اضطراب مفید است و اگر کسی که در قرائت آن ضعیف است و نمی‌تواند آن را بخواند این سوره را بنویسد و پس از شستن آب آن را بنوشد از ضعف نفس جلوگیری می‌کند و نتیجه‌بخش است.

«وَلَا تُعَذِّبْنِي وَ اَنَا اسْتَغْفِرُكَ - و عذابم ننما در حالی که استغفار می‌کنم!»: استغفار به صورت‌های مختلف و برای امور متفاوتی ممکن است گفته شود برای آن که بخاطر داشته باشیم از چه جهاتی به طلب بخشش نیازمند هستیم، خوب است به استغفاری که در دعای بعد از زیارت امام رضا (ع) آمده توجه ویژه داشته باشیم: «... يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَخْلُقُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يُنْزِلُ الْعَذَابَ إِلَّا هُوَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ؛...- ای که نیامرزد گناهان را جز او، ای که پدید نیآورد مخلوقات را جز او، ای که نازل نمی‌کند باران را جز او، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا بیامرز، ای بهترین آمرزندگان...»

«رَبِّ اِنِّي اسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ حَيَاءٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ رَجَاءٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ اِنَابَةٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ رَغْبَةٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ رَهْبَةٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ طَاعَةٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ اِيْمَانٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ اِقْرَارٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ اِخْلَاصٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ تَقْوَى، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ تَوَكُّلٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ ذِلَّةٍ، وَاسْتَغْفِرُكَ اسْتَغْفَارَ عَامِلٍ لَكَ، هَارِبٍ مِنْكَ اِلَيْكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَثُبِّ عَلَيَّ وَ عَلَى الْوَالِدَيَّ بِمَا ثُبْتُ وَتَتَّوْبُ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ- پروردگارا من از تو درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش شرمساری و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش امیدواری و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش بازگشتن و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش شوق و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش بیم و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش طاعت و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش ایمان و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش اقرار و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش اخلاص و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش تقوا و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش توکل و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش خواری و درخواست آمرزش می‌کنم، آمرزش

عمل کننده برای تو، گریزان از تو به سوی تو پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و بر من و پدر و مادرم پذیرای توبه باش، به آنچه بر تمام بندگان توبه پذیرفتی است و می پذیری ای مهربان ترین مهربانان؛ يَا مَنْ تُسَمَّى [يُسَمَّى] بِالْغَفُورِ الرَّحِيمِ... ای آن که به آمرزنده مهربان نامیده شدی،...»

« وَلَا تَحْرِمْني وَ أَنَا أَسْئَلُكَ - و محروم نفرما در حالی که درخواست می نمایم! »:

روشن است که برآورده شدن این درخواست اولاً به آبرو و شرافت بنده در پیشگاه الهی مربوط است و شرافت و مقام فاطمه سلام الله علیها و دیگر معصومین از بیان خود آن ها چنان است که وسیله ارتباط مخلوقات با خداوند هستند؛ « نَحْنُ وَ سَيَلْنُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ خَاصَّتُهُ وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ، وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ، وَ نَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيَائِهِ - ما اهل بیت پیامبر وسیله ارتباط خداوند با خلق او هستیم ، ما برگزیدگان پاک و مقدس پروردگار می باشیم ، ما حجت و راهنما خواهیم بود؛ و ما وارثان پیامبران الهی هستیم » (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ج ۱۶، ص ۲۱۱)

اسباب تحصیل شرافت در نزد خداوند چیزی جز معیارهای حقیقی و ارزشی نیست؛ در حکمت ۳۷۱ نهج البلاغه امام علی (ع) می فرماید که « لَا شَرَفَ أَعْلَى مِنَ الْإِسْلَامِ، وَ لَا عِزَّ أَعَزَّ مِنَ التَّقْوَى، وَ لَا مَعْقِلَ أَحْسَنُ مِنَ الْوَرَعِ، وَ لَا شَفِيعَ أَنْجَحُ مِنَ التَّوْبَةِ، وَ لَا كَنْزَ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ، وَ لَا مَالَ أَذْهَبَ لِلْفَقَاةِ مِنَ الرِّضَى بِالْقَوْتِ وَ مَنْ اقْتَصَرَ عَلَى بُلْغَةِ الْكَفَافِ فَقَدْ انْتَضَمَ الرَّاحَةُ وَ تَبَوَّأَ خَفْضَ الدَّعَةِ وَ الرَّغْبَةَ مِفْتَاحَ النَّصَبِ وَ مَطِيَّةَ التَّعَبِ، وَ الْحِرْصُ وَالْكَبَرُ وَالْحَسَدُ دَوَاعٍ إِلَى التَّفَقُّمِ فِي الذُّنُوبِ، وَ الشَّرُّ جَامِعُ مَسَاوِي الْعُيُوبِ - هیچ شرافتی برتر از اسلام نیست و هیچ عزتی گرانبهاتر از تقوا، هیچ پناهگاهی بهتر و نگهدارنده تر از ورع و پرهیز کاری نبوده، هیچ شفيعی نجات بخش تر از توبه، هیچ گنجی بی نیاز کننده تر از قناعت و هیچ سرمایه ای برای از بین بردن فقر بهتر از رضا به مقدار حاجت نمی باشد و آنکس که به مقدار نیاز اکتفا کند به آسایش و راحتی همیشگی دست یافته و در فراخنای آسودگی جای گرفته است در حالی که دنیاپرستی کلید رنج و بلا و مرکب تعب و ناراحتی است و حرص و تکبر و حسد انگیزه هایی هستند برای فرو رفتن در گناهان، و شر و بدکاری و جامع تمامی این عیب هاست ».

و دیگر اینکه قبولی دعا مشروط به شرایطی است؛ پیامبر صلی الله علیه و آله مهم ترین شروط آن را اینچنین بیان می فرماید: « إِذَا أَرَادَ صَاحِبُكُمْ أَنْ لَا يَسْأَلَ رَبَّهُ إِلَّا أَعْطَاهُ ، فَلْيَبْأَسْ مِنَ النَّاسِ كُلِّهِمْ ، وَ لَا يَكُونَنَّ لَهُ رَجَاءٌ عِنْدَ غَيْرِ اللَّهِ فَإِذَا عَلِمَ اللَّهُ ذَلِكَ مِنْ قَلْبِهِ لَمْ يَسْأَلْهُ شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ - هر گاه یکی از شما خواست که آنچه را از پروردگارش درخواست می کند ، به او بدهد ، باید از همه مردم چشم امید برگذارد و به غیر خدا هرگز امیدی نداشته باشد . پس هرگاه این از قلب او بر خدا عیان شد، هر چه را از وی بخواهد، به او می دهد. » (تیسیر المطالب ، ص ۲۳۵)

« أَللَّهُمَّ دَلِّلْ نَفْسِي وَ عَظِّمْ شَأْنَكَ فِي نَفْسِي - خدایا! نفسم را [پیش خودم] خوار کن و مقامت را در نفسم بزرگ جلوه ده »:

حکمت های چنین درخواستی با تأمل در سخنان معصومین (ع) آنگاه بیش تر آشکار می گردد که به نجوای امام زین العابدین (علیه السلام) در دعای مکارم اخلاق می نگریم: « ... وَ أَعِزَّنِي وَ لَا تَبْتَلِيَنِي بِالْكَبَرِ ... وَ لَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَّطْتَنِي عِنْدَ نَفْسِي مِثْلَهَا ، وَ لَا تُحْدِثْ لِي عِزّاً ظَاهِراً إِلَّا أَحْدَثْتَ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدْرِهَا - مرا عزت بخش و به کبر و غرور مبتلایم مفرما... و مرا در نزد مردم درجه ای بالا مبر، جز این که به همان اندازه در نظر خودم فرودم آوری و هیچ عزت آشکاری برایم پدید میاور مگر این که به همان اندازه ذلتی درونی در نظر خودم پدید آوری. » (صحیفه سجادیه، دعای ۲۰) و نیز وقتی خالق و آفریدگار در روح جان مؤمن بزرگ جلوه می کند (به

همین جهت) غیر خداوند در نظرشان کوچک خواهد شد؛ «عَظَّمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَادُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ». (نهج البلاغه / خطبه ۱۸۴)

«وَالْهَمْنِي طَاعَتَكَ وَالْعَمَلَ بِمَا يُرْضِيكَ وَالتَّجَنُّبَ لِمَا يَسْخَطُكَ - و طاعت خود و عمل به آنچه رضای تو در آن است و دوری از غضب را به من الهام نما»:

آری کسانی که خداوند آنها را واسطه هدایت قرار داده به آنها رضای خود را در افعالشان نشان می‌دهد. «وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ» (انبیاء/۷۳) هر اندازه تقوا بیش‌تر باشد هدایت الهی بیش‌تر خواهد شد. امام زین العابدین در دعای خود می‌آموزد که همواره از خدای خود بخواهیم: «اللَّهُمَّ وَ أَنْطِقْنِي بِالْهُدَى، وَ الْهَمْنِي النَّقْوَى، وَ وَقِّفْنِي لِلَّتِي هِيَ أَزْكَى، وَ اسْتَعْمِلْنِي بِمَا هُوَ أَرْضَى- الهی زبانم را به هدایت گویا ساز، و تقوا را بر قلبم الهام کن، و به پاکیزه‌ترین روشم توفیق ده، و مرا به کاری وادار که بیش از هر چیز به آن خشنودی.» (صحیفه سجادیه، دعای بیستم) از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمودند: به درستی که رسول خدا(ص) به فاطمه(س) فرمودند: «همانا خداوند عزوجل به خاطر غضب تو غضب می‌کند و به رضایت تو راضی می‌گردد. - أَنْ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لِفَاطِمَةَ(س) يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَغْضَبُ لِعِصْبِكَ وَ يَرْضَى لِرِضَاكَ.» (الغدیر ج ۳ ص ۲۰)

کسی که به چنین مقامی در نزد خدا برسد طبیعتاً باید چه اندازه در میان مردم محبوب باشد؟!!

به جانم ریختند چندان غم و درد مصیبت‌ها که گر بر روزها ریزند، گردد تیره چون شبها

در سوگ فاطمه (س)

از درد سخن گفتن و از درد شنیدن با مردم بی‌درد ندانی که چه درد است
اسماء میگه من آب می ریختم... ولی به وقت دیدم علی دست از غسل زهرا کشید... هی نگاه میکنه
هی صورت به دیوار میذاره بلند بلند گریه میکنه... آقا جان شما به بچه ها گفتی آروم گریه کنن... چی شده داد میزنی... فرمود: در هنگامی که غسل می دادم... دستم رسید به بازوی ورم کرده ی فاطمه...
تا معجز زهرا را باز کرد دادش بلند شد... یه خانوم هجده ساله موهاش سفید شده... زهرا چهره اش رو از علی می‌پوشوند... تا کبودی صورتش رو علی نبینه... انشاءالله خدا مادر اتون رو براتون نگه داره... گفت بیاید... بچه‌های فاطمه برای آخرین بار مادر تون و ببینید... بچه ها آمدند جلو حسنین و زینب خودشون رو روی بدن مادر انداختند... شیخ عباس قمی میگه: همچنین که انداختن خودشونو یه وقت دستای زهرا بیرون اومد بچه ها رو بغل گرفت... منادی بین زمین و آسمان صدا زد: علی... بچه ها رو از مادرشون جدا کن... چرا؟ میدونی چرا... چون این بچه ها طاقت ندارن و ملائکه طاقت ندارن گریه بچه های فاطمه رو ببینن... علی با احترام بچه ها رو بغل گرفت... ناز و نوازش میکرد...

حسن جان خدا صبرت بده... حسین جان خدا صبرت بده... زینب جان منم بی مادر شدم... به همه عالم خواست یاد بده یادتون باشه هر وقت دیدی بچه خودش رو روی بدن عزیزش انداخت باید با احترام بلندش کنی... یه گودال بود... تو اون گودال یه بابای بی سر بود... یه دختری اومد خودش رو روی بدن انداخت... هی صدا زد بابا بلند شو ببین گوشواره هامو بردن... بابا بلند شو ببین خیمه ها رو آتیش زدن... دیدن دست حسین بالا آمد این دختر رو بغل گرفت... مگه علی یاد نداده بود چه جور جدا کنند... ریختن تو گودال... آنقدر تازیانه زدن...

تنی ضعیف غریبان به شانه می بردند	شکسته بال و پری ز آشیانه می بردند
چه شد که هفت نفر مخفیانه می بردند	جنازه ای که همه انبیا به قربانش
چه شد جنازه ی او را شبانه میبردند	مدینه فاطمه را روز روشن آزرده
برای او اثر از تازیانه می بردند	به جای گل که گذارند به روی قبر رسول

لا حول و لا قوّة الا بالله العلى العظيم
السلام عليكم يا اهل بيت النبوة